



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون  
موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل اول: کتاب - آیه نبأ - مصادف با: ۲۹ جمادی الاولی ۱۴۴۶  
بررسی استدلال به مفهوم شرط - اشکال دوم - بررسی پاسخ محقق نایینی - اشکال سوم به محقق نایینی - اشکال چهارم به محقق نایینی و بررسی آن  
سال شانزدهم  
جلسه: ۴۸

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

در مورد اشکال دوم نسبت به استدلال به مفهوم شرط در آیه نبأ، عرض کردیم محقق نایینی یک پاسخی ذکر کرده‌اند که مورد اشکال قرار گرفته است. اصل اشکال این بود که بین مفهوم و تعلیل تعارض وجود دارد و لذا ما نمی‌توانیم به مفهوم این آیه استدلال کنیم. محقق نایینی در پاسخ فرمود که مفهوم بر تعلیل حکومت دارد و اصلاً مسئله تعارض مطرح نیست، گفتیم نسبت به این پاسخ چند اشکال مطرح شده، دو اشکال را در جلسه قبل ذکر کردیم.

#### اشکال سوم به محقق نایینی

اشکال سوم مطلبی است که از کلمات محقق اصفهانی قابل استفاده است و آن اینکه اساساً مفهوم نسبت به تعلیل حاکم نیست، چون در این صورت مشکل دور پیش می‌آید. توضیح ذلک:

از یک طرف اگر بخواهد قضیه شرطیه در آیه نبأ مفهوم داشته باشد، متوقف بر این است که مفهوم نسبت به تعلیل حاکم باشد، یعنی حکومت مفهوم بر تعلیل اگر ثابت نشود و همانطور که مستشکل گفته بین آنها تعارض باشد، قهراً تعلیل جلوی تحقق مفهوم را می‌گیرد؛ زیرا تعلیل مقدم بر مفهوم است و مانع از ثبوت مفهوم خواهد شد.

از طرف دیگر اگر بخواهد مفهوم بر تعلیل حکومت داشته باشد، متوقف بر این است که قضیه شرطیه دارای مفهوم باشد زیرا اگر مفهوم نداشته باشد اساساً معنا ندارد که مفهوم بر تعلیل حکومت پیدا کند. پس حکومت مفهوم بر تعلیل متوقف بر ثبوت مفهوم است و ثبوت مفهوم متوقف بر حکومت مفهوم بر تعلیل است. و این دور واضح است.<sup>۱</sup>

این اشکال البته به یک معنا (همانطور که دیروز هم اشاره شد) بازگشت به عدم ثبوت مفهوم می‌کند یعنی کأنه محقق اصفهانی می‌خواهد بگوید این آیه مفهوم ندارد و لذا نوبت به حکومت نمی‌رسد منتهی در قالب دور این را بیان کرده است و می‌تواند پاسخ محقق نایینی را مخدوش کند.

اشکالات دیگری نیز نسبت به این پاسخ مطرح شده است که قبلاً هم گفتیم خود محقق خوبی برخی از این اشکالات را در مصباح الاصول مطرح کرده است و البته پاسخ داده است<sup>۲</sup> یعنی به دفاع از محقق نایینی برخاسته و به این اشکالات پاسخ داده، حال بعضی

<sup>۱</sup> نهایة الدرایه، ج ۳، ص ۲۱۲.

<sup>۲</sup> مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

از این اشکالات اهمیت بیشتری دارد و بعضی کمتر، زیرا این اشکالات توسط محقق خوبی پاسخ داده شده است، پاسخ‌های محقق خوبی نیز قابل مناقشه است و لذا اگر بخواهیم هر سه اشکال و پاسخ‌های محقق خوبی را نیز بگوییم و بعد مناقشه‌ای که در این پاسخ‌ها وجود دارد را بیان کنم زمان می‌برد و همین مقدار زمان که صرف این پاسخ و اشکال شده را به نظر کافی می‌رسد ولی دو اشکال را بیان می‌کنیم.

### اشکال چهارم به محقق نایینی

اشکال چهارم این است که در صورتی سخن نایینی را می‌توان پذیرفت که در ادامه آیه عبارت «فَتَصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» نبود، اگر این عبارت نبود، می‌شد قبول کرد که مفهوم آیه بر تعلیل حاکم است. اما این جمله‌ای که در ذیل این آیه آمده مانع از حکومت می‌شود، بلکه اقتضا می‌کند که تعلیل بر مفهوم حاکم شود. زیرا پشیمانی و ندامت به عنوان یک اثر مترتب بر اخذ به خبر فاسق و عدم تبیین است. آیه در واقع می‌گوید به خبر فاسق اخذ نکنید، اول جستجو کنید که مبادا به خاطر این خبر با یک قومی برخوردی کنید که موجب ندامت شما شود و شما را گرفتار پشیمانی کند. چرا می‌گوید گرفتار پشیمانی می‌شوید؟ معنای پشیمانی چیست؟ مبتلا به یک مفسده‌ای می‌شود و آن هم مخالفت با واقع است. یعنی واقعیت امر چیز دیگری بوده و شما به خاطر عدم تبیین کاری کردید که بعد معلوم شده است که صحیح نبوده و واقعیت نداشته، به خاطر آنچه که از فاسق شنیدید، کاری کردید که موجب ندامت شما می‌شود.

این در حالی است که مفسده «فَتَصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» در واقع هم نسبت به خبر فاسق وجود دارد و هم نسبت به خبر عادل، یعنی اگر ما یک خبری را از عادل بشنویم و تبیین نکنیم، چه بسا خبر عادل نیز مطابق با واقع نباشد و موجب ندامت شود. لذا این عبارت که بر مسئله ندامت تأکید می‌کند در واقع حاکم بر مفهوم است. اگر عادل خبری آورد ما ایمن از مخالفت با واقع هستیم؟ قطعاً اینطور نیست، زیرا خبر عادل هم ممکن است با واقع مطابق نباشد. لذا با توجه به اینکه ممکن است ندامت و پشیمانی پیش بیاید، دیگر مفهوم آیه نسبت به تعلیل نمی‌تواند حکومت داشته باشد بلکه به عکس است. این اشکالی است که نسبت به محقق نایینی مطرح شده است.

### بررسی اشکال چهارم

#### پاسخ محقق خوبی

محقق خوبی به این اشکال پاسخ دادند. خلاصه پاسخ محقق خوبی این است که ندامت گاهی به واسطه کاری است که هیچ عذر و حجت شرعی بر آن نیست و گاهی عذر و حجت شرعی برای آن وجود دارد. یعنی اگر مثلاً کسی کاری بکند که با واقع مطابق نباشد طبیعتاً این باعث می‌شود او پشیمان شود، اما این پشیمانی که به خاطر عدم مطابقت با واقع است گاهی هیچ عذری نمی‌توان برایش بیان کرد ولی گاهی قابل اعتذار است. اگر مخالفت با واقع بر مبنای حجت شرعی نباشد ندامت و پشیمانی قابل اعتذار نیست کسی که این کار را کرده، استحقاق عقاب دارد. اما گاهی ندامت همراه با عذر و حجت است، از اینکه انسان به واقع نرسیده و با واقع مخالفت کرده گرفتار ندامت است ولی در این ندامت معذور است و حجت شرعی دارد.

آنچه که در این آیه به آن اشاره شده، ندامت از نوع اول است. یعنی می‌خواهد بگوید نکند با عدم تبیین در خبر فاسق کارتان به جایی بکشد که با یک قومی اصابت کنید و موجب پشیمانی شما این مربوط خبر فاسق است که اتکای به خبر او اساساً نمی‌تواند

هیچ عذری برای ما درست کند، ولی خبر عادل اگر درباره‌اش تبیین نشود و با واقع هم مخالف باشد، این دیگر معذور است. زیرا به خبر عادل استناد کرده است و این برای او حجت است.

محقق خوبی می‌فرماید اگر قرار باشد «فَتَصْبِحُوا عَلٰی مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» همه انواع ندامت را شامل شود حتی آنجایی که ما عذر داریم، اماره داریم، اصل عملی داریم، لازمه‌اش این است که بگوییم هیچ یک از امارات و اصول عملیه اعتبار ندارند، زیرا در همه احتمال مخالفت با واقع وجود دارد، مگر مثلاً یک اصل عملی که اقتضای برائت می‌کند، همیشه مطابق با واقع در می‌آید؟ چه بسا آنجا مثلاً باید اجتناب شود، اما اجتناب نمی‌شود. اما این حجت است، سایر امارات نیز همینطور هستند. لذا «فَتَصْبِحُوا عَلٰی مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» شامل یک دسته از ندامت‌هاست و آن هم ندامت‌هایی است که حجت شرعی بر آن نیست مثل خبر فاسق، ولی ندامت‌های مخالف با واقع که بر پایه حجت معتبر شرعی باشد، اساساً مشمول این ذیل آیه قرار نمی‌گیرد.

### بررسی پاسخ محقق خوبی

اولاً: اینکه ایشان می‌فرماید «فَتَصْبِحُوا عَلٰی مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» مربوط به ندامت‌هایی است که به خاطر مخالفت با واقع، آن هم بدون دلیل معتبر شرعی پیش می‌آید و قسم دوم را از دایره این ندامت‌ها خارج کرد. مشکل این است که ما هنوز این مطلب را نمی‌دانیم و داریم بررسی می‌کنیم که آیا خبر عادل از این دسته محسوب می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر این مصادره به مطلوب است. ایشان فرض گرفته است که خبر عادل یک حجت شرعی است و ندامتی که به دنبال مخالفت خبر عادل با واقع پیش می‌آید، ندامت همراه با عذر است، در حالیکه این اول الکلام است، ما هنوز نمی‌دانیم که خبر عادل حجت است یا خیر؟ از خود این آیه می‌خواهیم این را استفاده کنیم.

ثانیاً: چه فرقی است بین «أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ» و «فَتَصْبِحُوا عَلٰی مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»؟ اصلاً این دو از هم تفکیک نمی‌شوند، «أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ» یعنی اصابت به یک قومی از روی جهالت، اثر و ثمره اصابت به قوم از روی جهالت، ندامت و پشیمانی است. این در واقع اثر اصابت القوم بجهالة است و جدای از آن محسوب نمی‌شود این جزیی از تعلیل است و در واقع دارد ارشاد می‌کند که اگر شما بدون تبیین با قومی برخورد کردید آن وقت مستلزم ندامت و پشیمانی است و برای اینکه اصابت القوم بجهالة نشود، شما در مورد خبر فاسق تبیین کنید. لذا تأکید روی ذیل یعنی «فَتَصْبِحُوا عَلٰی مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» و جدا کردنش از «أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ» وجهی برایش به نظر نمی‌رسد.

دو اشکال دیگر نیز اینجا قابل طرح است که من توصیه می‌کنم این اشکالات را خود شما مراجعه کنید. اگر بخواهیم همه آنچه را که دیگران مطرح کردن را بگوییم، بحث خیلی طولانی می‌شود و فرصت هم نیست.

### جمع بندی بحث تا اینجا

تا اینجا نسبت به استدلال به مفهوم شرط دو اشکال مطرح کردیم.

اشکال اول این بود که این آیه اصلاً مفهوم ندارد، زیرا شرط مذکور در آیه، شرط محقق موضوع است که مورد بحث قرار گرفت. اشکال دوم مربوط به مانع بود که آن را هم شیخ انصاری مطرح کرده است. اشکال این بود که این آیه گرفتار معارضه است و تعلیل و مفهوم با هم معارضه دارند. پاسخ‌هایی به این اشکال داده شده است، پاسخ‌های محقق خراسانی را با نقد و بررسی آن ملاحظه فرمودید، پاسخ محقق نایینی را با نقد و بررسی آن ملاحظه کردید.

باید یک جمع بندی در رابطه با این اشکال داشته باشیم و بعد برویم سراغ اشکال سوم.

«والحمد لله رب العالمين»